

## تمایز روش‌شناسی مکتب و علم اقتصاد اسلامی با تأکید بر اندیشه شهید صدر

Tavakoli@iki.ac.ir

محمدجواد توکلی / استادیار گروه اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

### چکیده

محققان مسلمان به‌طور عمده بین مکتب و علم اقتصاد اسلامی تفکیک قائل می‌شوند. این تفکیک، زمینه‌ساز مباحثی در مورد مفهوم آن دو و تمایز در چگونگی تولید و آزمون نظریات شده است. این مقاله، به بررسی این سؤال می‌پردازد که آیا تمایز در محتوای مکتب و علم اقتصاد اسلامی موجب تمایز در روش مورد استفاده در آنها نیز می‌شود؟ بنا به فرضیه مقاله، هر یک از مکتب و علم اقتصاد اسلامی، روشی متمایز برای تدوین نظریات خود دارند. این تحلیل، به‌طور عمده مبتنی بر رویکرد شهید صدر در تعریف مکتب و علم اقتصاد اسلامی و رابطه آنها، است. یافته‌های مقاله، که به روش تحلیلی سامان یافته، نشان می‌دهد که نظریات مکتب اقتصاد اسلامی، با استفاده از روش استنباط مستقیم و روش کشفی از منابع اسلامی قابل استنباط است. در مقابل، برای تدوین نظریات علم اقتصاد اسلامی، باید از روش‌هایی همچون قیاس، استقراء و روش فرضیه‌ای-قیاسی بهره جست. البته می‌توان از نوعی همگرایی روشی، بین روش‌شناسی مکتب و علم اقتصاد اسلامی نیز سخن گفت. از آنجا که یافته‌های مکتب اقتصادی اسلام، به‌خصوص در زمینه ساختار مطلوب اقتصاد اسلامی عملاً به‌عنوان پیش‌فرض‌ها در علم اقتصاد اسلامی به‌کار می‌روند، روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی، گسسته از روش‌شناسی مکتب اقتصادی اسلام نیست.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد اسلامی، مکتب اقتصادی اسلام، علم اقتصاد اسلامی، روش‌شناسی.

## مقدمه

تفکیک میان مکتب و علم اقتصاد اسلامی، به شکلی گسترده در ادبیات اقتصاد اسلامی پذیرفته شده است. این تفکیک، به‌طور عمده ریشه در تمایزی دارد که شهید صدر بین این دو، در کتاب *اقتصادنا* قائل شده است. مقالات متعددی در مفهوم مکتب و علم اقتصاد اسلامی و تمایز آنها نوشته شده است. با این وجود برخی ابعاد این تفکیک، از جمله تمایزات روش‌شناختی آن، چندان مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. در این زمینه، سؤالات متعددی مطرح است. از جمله اینکه، آیا تمایز در محتوای نظریات مکتب و علم اقتصاد اسلامی موجب تمایز در روش‌شناسی آن دو نیز می‌شود؟

در این مقاله، با استفاده از روش تحلیلی، به بررسی تمایز روش‌شناسی مکتب و علم اقتصاد اسلامی می‌پردازیم. بنا به فرضیه مقاله، تمایز محتوایی نظریات مکتب و علم اقتصاد اسلامی، زمینه‌ساز پذیرش تنوع روش‌های قابل استفاده در تدوین و آزمون نظریات آن دو می‌شود. تدوین نظریات اقتصادی، در بخش ثابت مکتب اقتصادی اسلام، وابستگی زیادی به منابع وحیانی دارد و برای تدوین آن، می‌توان از روش استنباط متعارف و یا روش کشفی استفاده کرد. در مورد بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام، هم در نظریات ساختاری و هم در نظریات سیاستی، می‌توان از ترکیبی از روش‌ها استفاده کرد.

آثار موجود در زمینه روش‌شناسی مکتب و علم اقتصاد، کمتر رویکرد مقایسه‌ای دارد. بیشتر آثار موجود در این زمینه، به بحث از روش‌شناسی مکتب اقتصاد اسلامی، با تأکید بر روش کشفی شهید صدر پرداخته‌اند. برای نمونه، محمدرضا یوسفی (۱۳۷۹)، به بررسی اعتبار روش کشفی شهید صدر پرداخته است (یوسفی، ۱۳۷۹). احمد علی یوسفی، (۱۳۸۵)، سه روش تأسیسی، امضائی و کشفی، حوزه مکتب اقتصاد اسلامی را معرفی می‌کند (همان، ۱۳۸۵؛ نظری و خطیبی، ۱۳۹۲). ابعادی از روش‌شناسی کشفی را مورد بررسی قرار داده‌اند. (نظری، خطیبی، ۱۳۹۲، ص ۱۵-۱۸). جابری و قاسمی (۱۳۹۴)، تلاش می‌کنند تا با استفاده از دیدگاه شهید صدر در مورد استقراء، حجیت روش کشفی را اثبات کنند (جابری، قاسمی اصل، ۱۳۹۴، ص ۷۴). میرمعزی (۱۳۹۴)، به تبیین روش کشفی پرداخته است. (میرمعزی ۱۳۹۴، ص ۱۳). *عابدی‌نژاد داورانی* (۱۳۹۴)، روش کشف سیاست‌های پیشرفت، با تأکید بر آراء شهید صدر را بررسی کرده است (عابدی‌نژاد داورانی، ۱۳۹۴، ص، ۱۴۹).

در زمینه روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی نیز مقالاتی نگاشته شده است. برای نمونه، کهنف (۱۳۸۵)، روش مورد قبول در علم اقتصاد اسلامی را همان روش علم اقتصاد متعارف می‌داند که تغییراتی در آن ایجاد شده است. تغییرات پیشنهادی ایشان، شامل خالی کردن نظریات علمی، از پیش فرض‌های ارزشی غیراسلامی و وارد کردن پیش‌فرض‌های ارزشی اسلامی در آن است. میرمعزی (۱۳۹۰)، به نقد دیدگاه‌های مطرح در زمینه روش مطالعه در علم اقتصاد اسلامی پرداخته و از رویکردی مبنای‌گرایانه در این زمینه دفاع می‌کند. از آنجا که وی برای علم اقتصاد

اسلامی، سه وظیفه تبیین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب و ارائه راهبرد تغییر معرفی می‌کند، بر ضرورت مطالعه در زمینه تمایز روش در هر یک از این زمینه‌های سه‌گانه سخن می‌گوید (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص، ۲۷).

در زمینه مقایسه روش‌شناسی مکتب و علم اقتصاد اسلامی، مطالعه چندانی به چشم نمی‌خورد. در برخی مقالات، اشاراتی به این بحث شده است. برای نمونه، نظری (۱۳۸۹)، از روش‌شناسی تمایز اقتصاد اثباتی و هنجاری شده سخن گفته، ولی مباحث ایشان ناظر به تفکیک مکتب و علم اقتصاد نیست. افزون بر این، عملاً بخشی از روش‌شناسی هر یک مطرح نکرده است (نظری، ۱۳۸۹، ص ۳۸-۴۵). در این مقاله، برای پر کردن این خلاء، رویکردی مقایسه‌ای در تحلیل روش‌شناسی مکتب و علم اقتصاد اسلامی داریم. در این بررسی، نگاهی عمیق‌تر به تفکیک مکتب و علم اقتصاد اسلامی داریم و اقتضائات روشی آن را بررسی می‌کنیم.

### تفکیک مکتب و علم اقتصاد اسلامی

اقتصاددانان مسلمان، به تبعیت از شهید صدر به‌طور معمول، از تفکیک بین مکتب و علم اقتصاد اسلامی سخن گفته‌اند. مکتب اقتصادی، عمدتاً هویتی هنجاری دارد که ناظر به ارزیابی بر مبنای عدالت و راهبردهای پذیرفته شده (یا تجویزی)، برای حل مشکلات اقتصادی باز می‌گردد. علم اقتصاد اسلامی نیز هویتی اثباتی دارد و به تبیین پدیده‌های اقتصادی، در چارچوب مکتب اقتصادی اسلام می‌پردازد. برخی محققان، با اضافه کردن نظام به این دو، بین مکتب نظام و علم اقتصاد اسلامی تفکیک قائل می‌شوند؛ تفکیک مزبور با مشکلاتی در زمینه تمایز نظام اقتصادی اسلام، از مکتب اقتصاد اسلامی روبرو است (نظری، توکلی، بیدار، ۱۳۹۷، ص، ۳۴-۳۷).

در تفکیکی مشابه، *انس زرقا* (۲۰۰۳)، اقتصاد اسلامی را دارای دو بخش مطالعه نظام اقتصادی اسلام (Islamic Economic System) و تحلیل اقتصادی اسلامی (Islamic Economic Analysis) است به نظر، می‌داند بخش اول، دارای هویتی هنجاری است. می‌گوید: بر مبنای اسلام، زندگی اقتصادی جامعه چگونه باید باشد. بخش دوم، به تحلیل نهادها و رویدادهای زندگی اقتصادی جوامع، به شکل عام (نه فقط جامعه اسلامی) و تبیین علل و عوامل اثرگذار بر آن می‌پردازد. تحلیل اقتصادی اسلامی، متکفل ارائه سیاست‌ها و راه‌حل‌های اسلامی، برای حل مشکلات اقتصادی با کمک‌گرفتن از قواعد نظام اقتصادی اسلام می‌باشد. چارچوب‌بندی شهید صدر و *زرقا* از اقتصاد اسلامی، شباهت زیادی با هم دارد. آنچه شهید صدر مکتب اقتصادی اسلام می‌نامد، حاکی از جهت‌گیری‌های کلی اسلام، برای سازماندهی اقتصاد جامعه است؛ چیزی که در تعبیر *زرقا* نظام اقتصادی اسلام نامیده شده است.

برای فهم تمایز میان مکتب و علم اقتصاد اسلامی و اقتضائات روش‌شناختی آن، باید تعریف مشخصی از هر یک از این مفاهیم داشت.

## مکتب اقتصاد اسلامی

شه‌ی‌د صدر، مکتب اقتصادی را روشی می‌داند که «جامعه آن را برای زندگی اقتصادی و حل مشکلات عملی‌اش برمی‌گزیند». به نظر ایشان، «مکتب اقتصادی مشتمل بر قواعد اساسی در زندگی اقتصادی است که به اندیشه‌ی عدالت اقتصادی مرتبط است» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۷). ایشان هدف مکتب اقتصادی اسلام را یافتن راه حل، برای مشکلات زندگی اقتصادی در راستای تحقق عدالت می‌داند (همان، ص ۳۸۳). در تحلیل شهید صدر، گزاره‌های مکتب اقتصاد هویتی ارزشی داشته و در صدد ارزیابی میزان تحقق عدالت است. به نظر شهید صدر، مباحث مربوط به آزادی اقتصادی، لغو بهره و ملی‌کردن ابزار تولید، متعلق به مکتب اقتصاد می‌باشد؛ چرا که این مباحث با اندیشه‌ی عدالت مرتبط هستند. در مقابل، مباحثی همچون قانون عرضه و تقاضا، یا قانون دستمزدهای آهینین، قوانین علمی هستند که به دنبال ارزش‌گذاری پدیده‌های اقتصادی نبوده، به علم اقتصاد تعلق دارند (همان، ص ۳۸۲).

از نگاه برخی محققان، مکتب (مذهب) اقتصادی، فلسفه‌ی عام و ارزش‌هایی می‌باشد که نظام اقتصادی مبتنی بر آنهاست. در مکتب اقتصادی، اموری چون غایت اقتصاد، هدف تولید، حدود مالکیت، آزادی و توزیع ثروت تعیین می‌شود (نجار، ۱۴۲۳ق، ص ۲۵-۵۰). مکتب اقتصادی اسلام، مشتمل بر قواعد کلی اسلام برای تنظیم روابط اقتصادی، در سه حوزه، تولید، توزیع و مصرف در جهت رفع دشواری‌ها و دستیابی به هدف‌های اقتصادی است (میرمعزی، ۱۳۹۴، ص ۱۳). بر اساس تعاریف ارائه شده از مکتب اقتصادی اسلام، این حوزه مطالعاتی، حاوی مباحثی در زمینه‌ی اهداف اقتصاد اسلامی، ساختارهای نهادی مطلوب در اقتصاد اسلامی و قواعد کلی اسلام، برای تنظیم روابط اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی می‌باشد.

شهید صدر، مکتب اقتصادی اسلام را دارای دو بخش ثابت و متغیر می‌داند. او از وجود منطقه‌ی الفراغ در زمینه‌ی بخش متغیر سخن می‌گوید. بخش ثابت مکتب اقتصادی اسلام، حاکی از قوانین ثابت و غیرقابل تغییر اقتصادی اسلام است. اما بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام، بخش خالی برای قانون‌گذاری، بر اساس اقتضات اهداف عمومی اقتصاد اسلامی و شرایط زمانی است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۴۰۰).

## علم اقتصاد اسلامی

شهید صدر، علم اقتصاد را عهده‌دار «تبیین زندگی اقتصادی، پدیده‌ها و رویدادهای آن؛ و تبیین رابطه‌ی بین این پدیده‌ها و رویدادها با اسباب و عوامل ایجادکننده‌ی آن» می‌داند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۷). به نظر ایشان، گزاره‌های علم اقتصاد هویتی اثباتی داشته و بدون ارزش‌دوری، تنها به دنبال تبیین واقعیت می‌باشند. علم اقتصاد مشتمل بر نظریاتی است که به دنبال تبیین واقعیت زندگی اقتصادی است؛ بدون اینکه جهت‌گیری فکری پیشینی و یا توجهی به ارزش عدالت داشته باشد (همان، ص ۳۸۱).

شهید صدر، وظیفه علم اقتصاد اسلامی را کشف مسیر زندگی واقعی و قوانین آن در جامعه اسلامی می‌داند که مکتب اقتصادی اسلام، بر آن کاملاً تطبیق داده شده است. در این چارچوب، کارشناس اقتصاد اسلامی، گزاره‌های مکتب اقتصادی اسلام را به‌عنوان قواعد ثابتی برای جامعه در نظر می‌گیرد. سپس، به‌دنبال تبیین جامعه و ایجاد ارتباط بین پدیده‌های اقتصادی است (همان، ص ۳۳۱-۳۳۲). بر این اساس، علم اقتصاد اسلامی، به کشف عینیت زندگی واقعی و قوانین در جامعه اسلامی، که مکتب اسلام به صورت کامل بر آن تطبیق داده شده، می‌پردازد (همان).

کَهِف بین دو رویکرد در تعریف علم اقتصاد اسلامی تفکیک قائل می‌شود. بر اساس رویکرد اول، علم اقتصاد اسلامی صرفاً شاخه‌ای از علم اقتصاد می‌باشد که باید در محیط نظام‌های اقتصادی، همچون سایر نظام‌ها مورد مطالعه قرار گیرد و چنین تعریف می‌شود:

علم اقتصاد اسلامی عبارت است از: بررسی محدوده‌ای از مطالعات که بر فرض وجود اصول موضوعه اسلامی در محیط اجتماعی-سیاسی-قانونی و وجود نظام ارزش‌ها و اخلاقیاتی که رفتار اقتصادی زنان و مردان را در جامعه اسلامی هدایت می‌کند، مبتنی است (کَهِف، ۱۳۸۵، ص ۱۶۲).

در مقابل، برخی علم اقتصاد اسلامی را جایگزینی برای علم اقتصاد سنتی در نظر می‌گیرند. آنها علم اقتصاد اسلامی را بر اساس پیش‌فرض‌های جهان‌بینی اسلامی تعریف می‌کنند (همان). کَهِف با اتخاذ رویکردی سوم، مسئولیت محققان مسلمان را بازسازی علم اقتصاد موجود، بر اساس مبانی ارزشی اسلامی می‌داند. او علم اقتصاد را دانشی می‌داند که رفتار بشر، با همه جوانب آن و تحت هر نوع از ارزش‌های اخلاقی، و مذهبی و داخل تمام چارچوب‌های اجتماعی، سیاسی و قانونی را بررسی می‌کند (همان، ص ۱۶۹). به نظر او، هیچ نیازی به اضافه کردن پسوند «اسلامی» به علم اقتصاد نیست؛ زیرا قوانین اقتصادی علم اقتصاد اسلامی، درباره تمام جوامع بشری صادق است. رویکرد کَهِف عملاً اقتضائات خاص قوانین اقتصادی، در شرایط تحقق مکتب اقتصاد اسلامی را در نظر نمی‌گیرد. اگر تحلیل برخی محققان را بپذیریم که علم اقتصاد اسلامی، علاوه بر تبیین وضعیت موجود، باید به تبیین وضعیت مطلوب و سیاست‌های لازم برای نزدیک کردن وضعیت موجود، به مطلوب بپردازد؛ یافته‌های علم اقتصاد اسلامی، متمایز از علم اقتصاد متعارف خواهد بود (میرمعزی ۱۳۹۰، ص ۲۷).

### پیوستگی مکتب و علم اقتصاد اسلامی

شهید صدر، شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی را وابسته به اجرا شدن مکتب اقتصادی اسلام در جامعه می‌داند. اگر مراد شهید صدر این باشد که تدوین علم اقتصاد اسلامی، مشروط به اجرای کامل دستورات اقتصادی اسلام در جامعه و تحقق انسان اقتصادی مطلوب است، با تحقق شرط مزبور، نیاز به علم اقتصاد اسلامی، مورد تردید قرار

می‌گیرد؛ مگر اینکه این دانش به تبیین وضعیت تحقق یافته بپردازد. روشن است که محقق کردن دستورات اقتصادی اسلام در جامعه خود، نیازمند بهره‌مندی از یافته‌های علمی، به خصوص نظریات مرتبط با چگونگی ایجاد تغییرات رفتار اقتصادی مناسب در جامعه اسلامی است. در این صورت، تقدم مکتب اقتصادی اسلام، بر علم مفهومی پارادوکس گونه خواهد داشت.

با تأمل بیشتر در دیدگاه شهید صدر می‌توان گفت: که ایشان تحقق علم اقتصاد اسلامی را مشروط به اجرای کامل اسلام در جامعه نمی‌داند، بلکه ایشان شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی را منوط به تحقق چارچوب‌های نهادی اثرگذار بر رفتار اقتصادی می‌داند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۸۲). در واقع مکتب اقتصادی، و یا بخش ثابت مکتب اقتصادی، بیانگر چارچوب‌های ساختاری اقتصاد می‌باشد. مواردی همچون مالکیت مختلط، و آزادی در کادر محدود، از جمله چارچوب‌های نهادی، مورد نظر مکتب اقتصادی اسلام است. این قالب‌بندی‌ها، بخشی از ساختارهای نهادی پیشنهادی اسلام برای حل مشکلات اقتصادی را بیان می‌کنند. اگر این ساختارها، در جامعه عملیاتی شوند، رفتارها از آن متأثر می‌شوند. در نتیجه، می‌توان در همان چارچوب، اقدام به تحلیل علمی کرد. ایجاد ساختارهای ثابت و بررسی‌های علمی، می‌تواند زمینه‌ساز ارائه سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی، در رویکرد اسلامی نیز باشد. برای نمونه، چارچوب پیشنهادی اسلام، برای حل مشکلات پولی، نظام مالی فاقد ربا است. اگر این نظام برقرار شود، رفتارها در قالب آن شکل می‌گیرد. با تحلیل رفتارهای مزبور می‌توان الگوهای اجرائی بانک‌داری بدون ربا را بهبود بخشید. علاوه بر این، مجالی برای تغییر رفتارهای عاملان اقتصادی نیز فراهم می‌شود.

برای فهم بهتر رابطه مکتب و علم اقتصاد اسلامی به عنوان دو بخش به هم پیوسته اقتصاد اسلامی، باید به کارکرد آن دو توجه کرد. چنین بررسی‌ای زمینه تحلیل تعامل آن دو و اقتضائات روش‌شناختی آن را فراهم خواهد کرد.

### کارکردهای مکتب اقتصادی اسلام

کارکردهای مکتب اقتصادی اسلام را می‌توان در سه محور، تعیین خطوط کلی نظام اقتصاد اسلامی، تعیین سیاست‌های اقتصادی و ارزش‌دآوری نسبت به کارکرد نظام اقتصادی خلاصه کرد.

الف. تعیین خطوط کلی نظام اقتصادی اسلام: مکتب اقتصادی اسلام، باید خطوط کلی نظام اقتصادی اسلام را تعیین کند. خطوط کلی مزبور، شامل مواردی همچون ساختارهای حقوق مالکیت و درجه آزادی (آزادی مطلق/ آزادی در کادر محدود)، ساختار توزیع و بازتوزیع درآمد و ثروت، ساختار مدیریت اقتصاد (بازاری/ دولتی/ مختلط) می‌شود. در هر جامعه‌ای، شکلی از این ساختارها وجود دارد؛ افراد در درون این ساختارها رفتار می‌کنند.

ب. تعیین سیاست‌های اقتصادی: مکتب اقتصادی اسلامی، باید سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی برای بهبود عملکرد نظام اقتصادی را نیز پیشنهاد کند. برای نمونه، اینکه در یک نظام بانکی بدون ربا، چه سیاست‌های پولی

باید اجرا کرد، قاعدتاً خروجی مکتب اقتصادی اسلامی است. البته از نگاه برخی محققان، سیاست‌های اقتصادی، بر اساس مکتب اقتصادی در قالب نظام اقتصادی تدوین می‌شود. بر اساس این رویکرد، مکتب اقتصاد اسلامی، خطوط کلی تنظیم امور اقتصادی در راستای عدالت را تعیین می‌کند و رویکرد اجرایی ندارد. در مقابل، نظام اقتصادی، رویکرد اجرایی و عملیاتی دارد و در آن سیاست‌های اقتصادی ترسیم می‌شود. اگر این برداشت را بپذیریم، نظام اقتصادی، کارکردی مشابه اقتصاد تجویزی، یا سیاستی پیشنهادی *جان نویل* کینز خواهد داشت و سیاست‌های اقتصادی، در این حوزه مطالعاتی ارائه می‌شوند.

ج. ارزش‌دوری نسبت به کارکرد نظام اقتصادی اسلامی: مکتب اقتصادی، اسلامی مسئولیت ارزش‌دوری در مورد کارکرد ساختارها، سیاست‌ها و رفتارهای اقتصادی را نیز بر عهده دارد. اینکه آیا نتایج اجرای یک الگوی توسعه بازار محور، با ارزش‌های اسلامی سازگار است، بر عهده اقتصاد‌هنجاری اسلامی است. برای نمونه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا نتایج حاصل از اجرای یک الگوی تأمین اجتماعی دولتی، مناسب است؟ در اقتصاد متعارف، به‌طور عمده از ابزارهای تحلیلی همچون بهینه‌پرتو و مفاهیمی همچون اضافه رفاه مصرف‌کننده و تولیدکننده، برای ارزیابی ارزشی استفاده می‌شود. این ابزارها، با محدودیت‌های خاص خود روبرو می‌باشند.

### کارکردهای علم اقتصاد اسلامی

علم اقتصاد اسلامی، متکفل ارائه تحلیل رفتارها و نهادها در چارچوب ساختار موجود و با توجه به سیاست‌های قابل اجرا، می‌باشد. علم اقتصاد اسلامی از یک سو به تبیین قانونمندی‌های رفتار عاملان اقتصادی و از سوی دیگر، به تبیین کارکرد نظام اقتصادی می‌پردازد.

الف. تبیین قانونمندی‌های رفتار عاملان اقتصادی: اقتصاد اثباتی اسلامی، عنوان می‌دارد که افراد در ساختار اقتصادی قالب‌بندی شده، بر اساس خطوط کلی نظام اقتصادی اسلام، چگونه رفتار می‌کنند. این تحلیل رفتاری، ممکن است بیانگر ضعف‌های رفتاری نیز باشد که زمینه را برای اصلاح ساختارها و سیاست‌های اقتصادی فراهم کند. ب. تبیین کارکرد نظام اقتصادی: علم اقتصاد اسلامی، به دنبال تبیین کارکرد نظام اقتصادی اسلام، با توجه به ساختارهای مطلوب و قواعد رفتاری قابل تحقق نیز می‌باشد. برای نمونه، در اقتصاد اسلامی اثباتی، این بحث مطرح است که خروجی یک نظام بانکی بدون ربا، با توجه به رفتار فعالان بانکی چه خواهد بود؟ مثلاً گفته می‌شود که در این نظام، کارایی و عدالت به نحو بهتری، نسبت به یک نظام بانکی ربوی تأمین می‌شود.

ج. تبیین و پیش‌بینی تأثیر سیاست‌های اقتصادی: علم اقتصاد اسلامی، عهده‌دار تبیین و پیش‌بینی آثار سیاست‌های اقتصادی می‌باشد. این بررسی، به سیاست‌گذاران اجازه می‌دهد که برداشت کامل‌تری از آثار سیاست‌های اقتصادی، بر رفتار و عملکرد نظام اقتصادی داشته باشند.

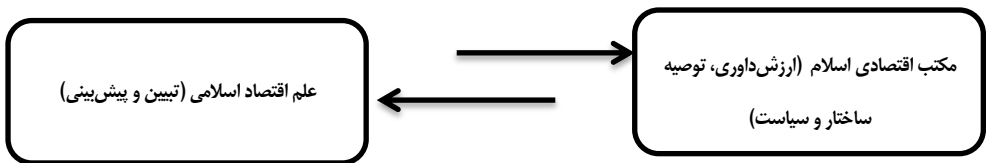
برخی محققان اقتصاد اسلامی، برای علم اقتصاد اسلامی وظایف دیگری نیز در نظر گرفته‌اند. برای نمونه، میرمعزی (۱۳۹۰)، برای علم اقتصاد اسلامی، سه وظیفه تبیین وضعیت موجود، تبیین وضعیت مطلوب و ارائه راهبرد در نظر می‌گیرد (میرمعزی ۱۳۹۰، ص، ۲۷). در این رویکرد، ابعاد هنجاری همچون ترسیم وضعیت مطلوب و ارائه راهبردهای اصلاحی، از مکتب اقتصادی اسلام منفک شده و به علم اقتصاد اسلامی واگذار شده است. چنین پیشنهادی، سازگاری چندانی با تعریف مکتب و علم اقتصاد اسلامی ندارد.

### رابطه متقابل مکتب و علم اقتصاد اسلامی

با توجه به تبیین ارائه شده، مکتب اقتصادی اسلام، عهده‌دار تعیین ارزش‌های مورد قبول در اقتصاد اسلامی (کارکرد ارزیابانه) و ارائه توصیه‌ها و تجویزهای اقتصادی، مشتمل بر توصیه‌های ساختاری و سیاستی است. در مقابل، علم اقتصاد اسلامی وظیفه تبیین و پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی افراد و تحلیل کارکرد سیاست‌های اقتصادی را دارا است. بر این اساس، می‌توان رابطه‌ای متقابل بین مکتب و علم اقتصاد اسلامی در نظر گرفت.

یافته‌های علم اقتصاد اسلامی از یک سو، می‌تواند مؤید توصیه‌های ثابت اسلام، برای تدبیر امور اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی باشد. برای نمونه، یافته‌های علم اقتصاد اسلامی، می‌تواند برتری ساختار بانکداری بدون ربا را بر ساختار بانکداری ربوی نشان دهد. از سوی دیگر یافته‌های علم اقتصاد اسلامی، به طراحی ساختارها، نهادها و سیاست‌ها بر اساس توصیه‌های ثابت اسلام و مبانی ارزشی اقتصاد اسلامی کمک می‌کنند. برای نمونه، ملاحظه عملکرد بانک‌های بدون ربا، می‌تواند زمینه‌ساز طراحی‌های جدید برای رفع نقایص الگوهای اجرا شده از بانکداری بدون ربا باشد.

شکل ۱: رابطه مکتب و علم اقتصاد اسلامی



مکتب اقتصادی اسلام نیز بر مطالعات علم اقتصاد اسلامی مؤثر است. این اثرگذاری، در بُعد هنجاری مکتب اقتصادی مشهود است. هنگامی که در مکتب اقتصادی اسلام، عقلانیت به عنوان مفهومی سازگار و همراه با اخلاق در نظر گرفته می‌شود، در مباحث علم اقتصاد اسلامی، رفتار خودخواهانه غیراخلاقی، به عنوان تنها رفتار ممکن قلمداد نمی‌شود. بر این اساس، علم اقتصاد اسلامی، به بررسی شرایطی می‌پردازد که عامل اقتصادی، رفتاری اخلاقی خواهد داشت. چنین مطالعه‌ای، زمینه سیاست‌گذاری در بُعد تجویزی مکتب اقتصادی اسلام، برای اثرگذاری بر ترجیحات عاملان اقتصادی را فراهم می‌کند.



## روش شناسی مکتب اقتصادی اسلام

روش شناسان اقتصاد اسلامی، برای نظریه پردازی در زمینه خطوط کلی و سیاست های اقتصاد اسلامی، روش هایی همچون روش استنباط مستقیم و روش کشفی (روش استنباط غیرمستقیم) را معرفی کرده اند. به نظر شهید صدر، برخی جوانب مکتب اقتصادی اسلام را می توان به صورت مستقیم، از نصوص استنباط کرد. اما بخشی دیگر را نمی توان به صورت مستقیم از نصوص استنباط کرد. در این موارد، باید به استنباط غیرمستقیم دست زد (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۱). روش استنباط غیرمستقیم گزاره های مکتب اقتصاد اسلامی از احکام، «روش کشفی» نامیده شده است.

### الف. روش استنباط مستقیم

به نظر شهید صدر، برخی جوانب مکتب اقتصادی اسلام را می توان به صورت مستقیم از نصوص استنباط کرد (همان، ص ۳۹۱). در این روش، با مراجعه به نصوص قرآن و سنت، خطوط کلی اقتصاد اسلامی را استنباط می کنیم. برای نمونه، اصل عدالت به عنوان یکی از خطوط کلی اقتصاد اسلامی، از بررسی آیات و روایات معصومین علیهم السلام به دست می آید.

### ب. روش کشفی شهید صدر (کشف غیرمستقیم)

روش کشف غیرمستقیم، روشی است که توسط شهید صدر برای کشف رویکرد اسلام در زمینه ساماندهی اقتصاد و حل مشکلات اقتصادی (مکتب اقتصادی اسلام) ارائه شده است. به نظر شهید صدر، نظریه های مکتب اقتصادی اسلام را می توان با تجمیع احکام شرعی، و مفاهیم اسلامی کشف کرد.

### چگونگی روش کشفی

در این روش استنباطی، احکام، نظام مالیه عمومی و مفاهیم شرعی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و گزاره های مکتب اقتصاد اسلامی استنتاج می شود. در استنباط مکتب اقتصادی، احکام اقتصادی جایگاه ویژه ای دارند. به نظر شهید صدر، نظام مالیه عمومی، نیز یکی از منابع کشف مکتب اقتصادی است. به نظر ایشان، دیدگاه مکتبی موجب تعیین رویکرد مالیه عمومی می شود. برای نمونه، یکی از لوازم پذیرش اصل آزادی اقتصادی در نظام سرمایه داری، این است که دولت نباید وارد فعالیت های تولیدی شود و درآمدهای دولت، می باید تنها برای حفظ آزادی های اقتصادی و تامین امنیت هزینه شود. اما در دیدگاه طرفداران سوسیالیسم، درآمدهای دولت، نقش مهم تری در ایجاد عدالت اجتماعی ایفا می کند (همان، ص ۳۹۳).

شهید صدر برای مفاهیم و دیدگاه های اسلامی نیز نقش مهمی در فرآیند کشف قائل است. مراد ایشان از مفاهیم، هر دیدگاه اسلامی است که واقعیت وجودی، اجتماعی و یا تشریحی را تبیین کند. برای نمونه، دیدگاه اسلام

نسبت به خلیفه‌اللهی انسان، یکی از دیدگاه‌هایی است که به عنوان یکی از منابع کشف مکتب اقتصادی اسلام محسوب می‌شود (همان، ص ۳۹۶-۳۹۸) به نظر می‌رسد، که مراد شهید صدر از «مفاهیم اقتصادی»، همان مبانی هستی‌شناختی است که به عنوان پیش فرض در نظریات اقتصاد اسلامی در نظر گرفته می‌شود. در رویکرد هستی‌شناسی واقع‌گرایانه شهید صدر، واقعیت تنها منحصر در واقعیت‌های فیزیکی و عینی نیست، بلکه شامل واقعیت‌های اجتماعی و حتی واقعیت‌های تشریحی نیز می‌شود.

### حجیت روش کشفی

یکی از ابهامات مطرح در مورد روش کشفی، حجیت آن است. برخی حجیت این روش را مورد تردید قرار داده‌اند. به نظر آنها، این روش حجت نیست؛ چرا که نمی‌توان نظریه کشف شده را به اسلام نسبت داد. در مقابل، استدلال‌های متفاوتی بر حجیت روش کشفی ارئه شده است. این استدلال‌ها، مشتمل بر نفی نیاز به حجیت، حجیت نظریه به عنوان مدلول التزامی احکام، حجیت نظریه بر اساس ظهور مجموعی، حجیت از باب انسداد باب علم، حجیت بر اساس تواتر معنوی، و حجیت بر اساس منطوق استقراء می‌باشد.

اول: عدم نیاز به حجیت: بر اساس این دیدگاه، نظریه مکتبی، به دنبال بیان وظیفه افراد در مقام عمل نیست تا اثبات حجیت آن لازم باشد؛ بلکه حاکی از قواعدی است که ولی فقیه و حاکم، بتواند از آن برای صدور حکم ولایی در منطقه الفراغ استفاده کند. بر اساس این رویکرد، هرچند قاعده کشف شده، ممکن است برای مجتهد یا ولی‌امر حجت نباشد، اما ولی‌امر می‌تواند با توجه به مصالح جامعه، از آن برای مدیریت جامعه استفاده کند (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۶۵). به بیان دیگر، نتایج نظریات مکتبی را می‌توان با استناد به ادله ولایت عامه مستدل کرد. بر این اساس، ولی فقیه جامع‌الشرایط می‌تواند از هر راهی که هماهنگ با شرع باشد، برای اعمال ولایتش و اداره جامعه و دولت استفاده کند. هرچند روش به دست آمده از فقه نظریه، از جهت انتساب به شارع به قطعی یا اطمینانی نیست، ولی حداقل ظنی است و ظن قوی نسبت به آن وجود دارد (غفوری، ۱۴۲۱ق، ص، ۱۵۶).

این استدلال از چند جهت قابل مناقشه است: اول، روش کشفی تنها به حوزه منطقه الفراغ اختصاص ندارد و در حوزه شمول قوانین ثابت نیز مطرح است. دوم، دامنه اثربخشی فقه نظریه، گاه بیش از فقه فردی است. هنگامی که با استفاده از روش کشفی، اصول حاکم بر نظام اقتصادی اسلام ترسیم شد، اعمال این اصول، همچون اصول عدالت توزیعی، در جامعه موجب تغییر رفتارها و بروز کارکردهای متناسب با آن می‌شود.

دوم: ظهور مجموعی احکام در قالب نظریه: ظهور مجموعی، در مقابل ظهور مقطعی قرار دارد. در ظهور مقطعی، ظاهر عبارت متکلم در یک گفته متصل بیان شده است. اما در ظهور مجموعی، مراد گوینده از مجموعه‌ای از گفتارهایی که ممکن است در جاهای مختلف ایراد شده باشد، استفاده می‌شود. گاهی شارع، مقصود خود را طی

چندین مرحله به مخاطبان القا می‌کند و بدین صورت، آمادگی لازم برای دریافت حکم نهایی را در آنان ایجاد می‌کند (همان، ص ۱۵۴-۱۵۵).

ظهور مجموعی، می‌تواند در دو قالب ظهور مجموعی دلالت‌های مطابقی و التزامی محقق شود. در حالت اول، دلالت مطابقی تعدادی از احکام موجب استنتاج یک نظریهٔ مکتبی می‌شود. در شکل دوم، دلالت التزامی احکام مختلف جمع شده و نظریهٔ مکتبی خاصی استنتاج می‌شود.

سوم: حجیت نظریات بر مبنای انسداد باب علم: حجیت نظریات کشف شده، به مبنای انسداد باب علم نیز نسبت داده شده است؛ چون استفاده از نصوص و منابع استنباط به روش متعارف اجتهاد، برای کشف نظریات مکتب اقتصادی ممکن نیست و استخراج این نظریات اساسی اسلام، در عرصه‌های مختلف زندگی ضروری است، چاره‌ای جز استفاده از این روش نیست.

چهارم: حجیت بر اساس منطق استقراء: کشف زیربناهای مکتبی، از روبناهای احکام و مفاهیم شرعی، شامل یک حرکت استقرائی مبتنی بر تجمیع قرائن و تشکیل علم اجمالی قبلی - علمی که پیش از تجمیع و ترکیب بین احکام داریم، به اینکه ساختاری منسجم و هماهنگ در ورای مجموعه احکام وجود دارد، و علم اجمالی بعدی - شناختی که پس از ترکیب بین احکام به دست می‌آوریم و دال بر تحقق مجموعه احکامی متناسب با یک نظریه مکتبی است - و اجرای قوانین حساب احتمالات است که منجر به دستیابی به درجهٔ بالایی از ظن می‌شود.

شهید صدر استقرای ناقص را در صورت رعایت شروطی مشخص، یقین‌آور می‌داند. از نظر ایشان، یقین همان قطع است که در اصول فقه مطرح می‌شود. با جستجو در احکام و مفاهیم، رتبهٔ احتمال نظریهٔ مکتبی استخراج شده، به تدریج افزایش می‌یابد و از مرحله ظن، به یقین تبدیل می‌شود. این یقین زائل نمی‌شود؛ چون دارای پشتوانه قوت احتمال ریاضی است. این یقین، یقین ذاتی (راون‌شناختی) نیست. در اینجا یک علم اجمالی قبلی داریم؛ این حکم شرعی یک پشتوانه و مبنا دارد. علم اجمالی بعدی نیز این است که احکام بعدی نیز مبتنی بر این حکم مکتبی می‌باشند. پس احتمال حجیت آن تقویت می‌شود. به تدریج، ارزش‌های احتمالی بر محور یکی از اطراف علم اجمالی اول جمع می‌شوند (جابری قاسمی اصل، ۱۳۹۴، ص ۷۴).

روش کشفی شهید صدر مبتنی بر سببیت عقلی احکام بر نظریه مکتبی است. از نگاه ایشان، در پس احکام فراوان، یک انسجام و وحدت وجود دارد که همه احکام را جهت تحقق هدفی واحد، که هدایت الهی است، قرار می‌دهد. احکامی که دنبال هم در یک موضوع قرار می‌گیرند، حتماً مسبب از سبب خاصی می‌باشند؛ یعنی صرف توالی کور و تصادف مطلق نیست.

در دیدگاه شهید صدر افزایش احتمال در استقراء ناقص، داری دو مرحله، توالد موضوعی (افزایش بیرونی احتمال) و توالد ذاتی (افزایش درونی احتمال) است (همان، ص ۷۳). طرح فرضیه دیدگاه مکتبی نهفته در ورای

احکام، مرحله اول افزایش بیرونی احتمال است (سبب افزایش احتمال). نظریهٔ مکتبی موجب وجود مجموعه احکام مرتبط به هم شده است چون تصادفی بودن این هماهنگی محال است. اگر تصادف مطلق را مشکوک بدانیم؛ یعنی وقتی نظریه مکتبی وجود ندارد، وجود چنین احکامی مشکوک است. در این صورت، با استفاده از دلیل استقرائی و اجرای قواعد حساب احتمالات دربارهٔ همین قضیه مشکوک (یعنی استحاله تصادف مطلق)، می‌توان به یقین رسید و استحاله تصادف مطلق را به دست آورد. سپس از قضیه استحاله تصادف مطلق استفاده کرده و دربارهٔ رابطه بین مجموعه احکام و نظریه مکتبی، دست به استنتاج می‌زد (همان، ص ۷۲-۷۳).

### منطقه الفراغ مکتب اقتصادی و روش نظریه‌پردازی در آن

تفکیک شهید صدر بین بخش ثابت و متغیر مکتب اقتصادی و معرفی منطقه الفراغ در زمینهٔ بخش متغیر، زمینهٔ تفاوت در روش‌شناسی را فراهم می‌کند. آنچه ایشان، به عنوان روش کشفی مطرح می‌کند، عمدتاً مرتبط با بخش ثابت مذهب اقتصادی است. اما بسط نظریات اقتصاد اسلامی، در حوزهٔ منطقه الفراغ چه گونه باید صورت گیرد؟ برای پاسخ به این سؤال بالا، ابتدا باید به فهم دو بخش مکتب اقتصادی اسلام دست یافت. بخش ثابت مکتب اقتصادی اسلام، بخشی است که قوانین ثابت و غیرقابل تغییری برای آن وضع شده است. در مقابل، بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام، بخش خالی (منطقه الفراغ قانون‌گذاری اقتصادی) در مکتب اقتصادی است؛ که دولت یا ولی امر، عهده‌دار پرکردن آن، بر اساس اقتضات اهداف عمومی اقتصاد اسلامی و شرایط زمانی است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۴۰۰).

پرکردن ناحیه خالی توسط دولت یا ولی امر، ظاهراً به معنای اقدام دولت به وضع قوانین اقتصادی (تشریح اقتصادی) است. این برداشت، با عبارت «منطقه الفراغ فی التشریح الاقتصادي» سازگار است. این منطقه، قلمرویی است که در آن تشریح اقتصادی صورت نگرفته و تشریح اقتصادی در مورد آن، به دولت یا ولی امر واگذار شده است. این تفسیر، با این اشکال مواجه است که شهید صدر بین مذهب اقتصادی و قوانین اقتصادی تفکیک می‌کند چون منطقه الفراغ، در ارتباط با مکتب اقتصادی معرفی شده، فروکاستن احکام این ناحیه، به احکام حقوقی با رویکرد شهید صدر سازگار نیست. بنا به احتمال دیگر، مراد ایشان از تشریح اقتصادی، تدوین اصول ناظر بر قانون‌گذاری اقتصادی و ایجاد ساختارهای جدید است. برای نمونه، تدوین اصول حاکم بر نظام بانکی و یا ساختار بانکی، می‌تواند بخشی از تشریح اقتصادی در منطقه الفراغ باشد. در واقع، ایشان به دنبال تدوین نظریاتی است که بتواند منشأ صدور حکم فقهی در منطقه الفراغ شود. برای نمونه، تدوین نظریه عدالت اقتصادی در رویکرد اسلامی، می‌تواند زمینهٔ صدور برخی احکام فقهی و حقوقی در زمینه چگونگی پرداخت حقوق و دستمزد را فراهم کند.

## مخاطرات روش کشفی

از نظر شهید صدر مکتب اقتصادی، که از احکام و مفاهیم کشف می‌شود، نتیجه اجتهاد است و ممکن است با واقعیت (تشریحی) تطابق نداشته باشد؛ چرا که اشتباه در اجتهاد امکان‌پذیر است. از این رو، متفکران مسلمان، ممکن است تصاویر متفاوتی از مکتب اقتصادی اسلام ارائه دهند. این اختلاف، نتیجه تفاوت در اجتهادات آنها می‌باشد. همه این اشکال متفاوت مکتب اقتصادی را می‌توان اسلامی دانست؛ چرا که تصاویر ارائه شده، نتیجه اجتهادی است که اسلام آن را مجاز شمرده است. این برداشت‌ها، به واسطه اینکه نتیجه اجتهاد مجاز شرعی می‌باشند، اسلامی خواهند بود؛ صرف‌نظر از اینکه این برداشت، با واقعیت مکتب اقتصادی اسلام هماهنگ باشد (همان، ص ۴۰۴).

خطر در کمین رویکرد کشفی (مبتنی بر اجتهاد از فهم احکام و مفاهیم در نصوص)، خطر ورود عناصر ذهنی به عملیات اجتهاد است. این مشکل، ممکن است از چند کانال زیر رخ دهد: (همان، ص ۴۰۱).

خطر توجیه واقعیت: توجیه واقعیت، زمانی است که محقق برای توجیه واقعیت فاسد موجود، فهم خاصی را به نصوص اسناد دهد. در این صورت، به‌جای اینکه پیشنهاد تغییر واقعیت اجتماعی را بدهیم، به توجیه آن، با استناد به نصوص می‌پردازیم. توجیه ادله حرمت را و بهره از این قبیل است (همان، ص ۴۰۵).

فهم نص در چارچوبی خاص: این مشکل زمانی رخ می‌دهد که محقق، تلاش می‌کند نص را بر چارچوبی خاص تطبیق دهد، در چارچوبی مشخص بفهمد و اگر نص با چارچوب مزبور سازگار نباشد، آن را کنار می‌گذارد و به سراغ نصوص سازگار، با چارچوب فکری‌اش می‌رود. برای نمونه، ممکن است کسی که مالکیت خصوصی را تقدیس می‌کند، به دنبال کنار گذاشتن نصوصی باشد که حاکی از لزوم گرفتن زمین از مالک است. چنین استنباطی، استنباط در چارچوب فکری عاریتی است؛ چرا که هیچ دلیلی، بر مقدس بودن مالکیت وجود ندارد (همان، ص ۴۰۶).

تجرید دلیل شرعی، از موقعیت و شرایطش: این مشکل در مورد تقریر معصوم رخ می‌دهد که در آن، سکوت پیامبر ﷺ یا امام معصوم علیه السلام نسبت به مشاهده آن، حاکی از مجاز بودن است (همان، ص ۴۰۹-۴۱۰). برای استناد به تقریر معصوم علیه السلام باید به اقتضائات تاریخی زمان تشریح توجه کرد (همان، ص ۴۱۰). اگر رفتارها را از موقعیت زمان تشریح و شرایط آن جدا کنیم، برداشتی اشتباه از شرع خواهیم داشت. برای نمونه، تولید سرمایه‌داری در صنایع معدنی، پدیده‌ای جدید است در حال حاضر، صاحبان سرمایه اقدام به استخراج مواد معدنی نموده و به استخراج کنندگان اجرت پرداخت می‌کنند. وجود چنین نوعی از تولید، در زمان تشریح مشکوک است. به همین دلیل، نمی‌توان آن را با استناد به تقریر مجاز شمرده (همان، ص ۴۱۱-۴۱۲).

پیش‌داوری نسبت به نص: این مشکل نیز زمانی بروز می‌کند که محقق، دیدگاهی پیش‌داورانه نسبت به نصوص داشته باشد. در این صورت، وی با پیش‌داوری قبلی سراغ نصوص برود (همان، ص ۴۱۴-۴۱۵).

هرچند شهید صدر تأثیر عوامل ذهنی بر ترسیم اقتصاد اسلامی را از کانال وجود رویکردهای مختلف، در جمع‌آوری نصوص و شیوه‌های اجتهادی را می‌پذیرد، اما معیارهایی را نیز برای انتخاب بین تصویرهای مختلف ارائه شده از اقتصاد اسلامی مطرح می‌کند. به نظر ایشان، می‌توان ترجیح این نظریات را بر مبنای کارآمدی آنها، در حل مشکلات اقتصادی جامعه و تحقق اهداف متعالی اسلام صورت داد. چنین ترجیحی، مستلزم این است که محقق نسبت به اعمال دیدگاه خودش آزاد باشد. به نظر ایشان، این نوع اظهار نظر شخصی، مشکل‌آفرین نیست (همان، ص ۴۱۶).

از نظر شهید صدر، لزومی ندارد نظریه محقق اقتصاد اسلامی، نتیجه کشف از فتاوی اجتهادی خودش باشد، بلکه وی می‌تواند از فتاوی دیگران نیز استفاده کند؛ چرا که آن فتواها نیز شرعی بوده، قابل استناد به اسلام می‌باشند. این نگاه شهید صدر حاکی از این است که ایشان ملاک اسلامیت نظریه را تا حد زیادی استخراج آن از منابع اسلامی، به روش معتبر قلمداد می‌کند (همان، ص ۴۱۸-۴۱۹). این دیدگاه، مبتنی بر تفکیک فقه احکام و فقه نظریه است. در فقه احکام، مجتهد نمی‌تواند به فتاوی مجتهد دیگر عمل کند ولی در فقه نظریه، استفاده از نظریات سایر مجتهدان جایز است. ایشان هدف از فقه نظریه اقتصادی را فهم اصول عمومی اقتصاد اسلامی می‌داند (همان، ص ۴۰۹). به نظر ایشان، هنگام کشف اصول عمومی اقتصاد اسلامی، ناچاریم احکام اقتصادی ناسازگار را از مجموعه احکام جمع‌آوری شده، برای استنباط نظریه حذف کنیم (همان).

### ج. روش کشف مستقیم

برخی معتقدند: مشکل حجیت روش کشفی، ناشی از استنتاج نظریات از احکام و یا فتاوی مجتهدان است. بر این اساس، پیشنهاد شده که به جای کشف نظریات مکتبی از احکام، این نظریات را به صورت مستقیم، از آیات قرآن مجید و روایات معصومین، استخراج کنیم (عابدی‌نژاد داورانی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۹).

باید توجه داشت که شهید صدر مراجعه به فتاوی را به مفهوم فرار کردن از اجتهاد در احکام شرعی نمی‌داند به نظر ایشان تجمیع فتاوی و تأمل در آنها، برای دستیابی به تصویری هماهنگ از مکتب اقتصادی اسلام ضروری است. به همین دلیل، ایشان استفاده از فتاوی سایر مراجع، در کنار فتاوی شخصی نظریه‌پرداز مکتب اقتصادی را مجاز می‌شمارند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۴۱۶ - ۴۲۳).

### د. روش طبقه‌بندی نصوص اقتصادی و تحلیل عقلی آنها

برخی محققان، روش کشف مستقیم در اقتصاد اسلامی را در قالب «روش طبقه‌بندی نصوص اقتصادی و تحلیل عقلی آنها»، معرفی کرده‌اند. این روش، دو مرحله دارد. در مرحله اول، نصوص اقتصادی جمع‌آوری و طبقه‌بندی

می‌شود. بدین وسیله، پاسخ به برخی سؤالات مطرح در زمینه اقتصاد اسلامی، از جمله سؤال در مورد مکتب، نظام و علم اقتصاد اسلامی مشخص می‌شود. در مرحله دوم، نصوص طبقه‌بندی شده در مرحله قبل، مورد تحلیل عقلی قرار می‌گیرد و سؤال‌های باقی مانده پاسخ داده می‌شود. اینها سؤال‌هایی می‌باشند که از طریق مراجعه مستقیم به نصوص پیش گفته قابل پاسخ‌گویی نیست، بلکه باید از نتایجی که در مرحله اول، از طریق استقرا و طبقه‌بندی به دست آمده، استفاده کرد و از طریق قیاس عقلی، به پاسخ سؤال‌ها برسیم (میرمعزی، ۱۳۸۸، ص ۳۶-۴۵).  
تحلیل عقلی نصوص اقتصادی، می‌تواند ناظر به استفاده از نصوص اقتصادی برای تنظیم قیاس عقلی باشد. در این صورت، گزاره به دست آمده از نصوص اقتصادی قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام به عنوان صغری یا کبرای قیاس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ه روش کشفی سه‌گانه

مندر کھف نیز از نوعی روش کشف مستقیم برای استخراج نظام اقتصادی اسلام دفاع می‌کند. در دیدگاه او، نظام اقتصادی از سه عنصر فلسفه یا عقاید اسلامی، اصول موضوعه و قانون‌های اجرایی تشکیل شده است (کھف، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵). وی معتقد است: پیش‌فرض‌های نظام اقتصادی اسلامی (به عنوان یکی از مؤلفه‌های نظام در کنار عقاید اسلامی و قوانین اجرایی)، به سه طریق کشف می‌شوند:

الف. کشف مستقیم از قرآن و سنت مانند عدم ربا و وجود زکات در نظام اقتصادی اسلامی؛

ب. استخراج از نصوص متعدد، مانند اولویت توزیع عادلانه درآمد و ثروت و یا وظیفه دولت، در تأمین معاش مردم در نظام اقتصادی اسلامی؛

ج. استنتاج از تصور عمومی و عقلانیت بشر مانند اینکه بهبود امور اقتصادی مردم، هدف کلی نظام اقتصادی اسلامی است (همان، ص ۱۷۵).

کھف معتقد است: تاریخ نیز می‌تواند یکی از منابع کشف نظام اقتصادی اسلام باشد. به نظر او، برای توسعه نظام اقتصادی اسلام، باید از آزمون‌ها و درس‌های تاریخی سود جست. ولی نباید اجازه داد که تجربه تاریخی، بر ساختار نظام‌مند نظام اقتصادی اسلامی حاکم شود. به نظر او، تجربه تاریخی، می‌تواند به فهم بهتر اصول موضوعه و پیش‌فرض‌های نظام اقتصادی اسلام کمک کند. او، برای تجربه یا تجربه تاریخی نیز جایگاهی در روش‌شناسی نظام اقتصادی اسلام قائل است. برای نمونه، می‌توان با تخصیص ارزش کمی، به ایمان به زندگی پس از مرگ، تأثیر این دیدگاه بر عقلانیت اقتصادی فرد مسلمان را به صورت تجربی آزمون کرد (همان، ص ۱۷۷).

### حجیت روش کشف مستقیم

روش کشف مستقیم مبتنی بر این مبنا است که احکام اسلامی در واقع تشریحی خود، احکامی منسجم، یکپارچه و نظام‌واره می‌باشند. توجه به ارتباط میان نصوص تشریحی و ویژگی نظام‌وارگی آنها در فرآیند اجتهاد، ضمن اینکه

درک بهتری از واقع تشریحی فراهم می‌آورد، می‌تواند اختلافات و احیاناً تعارضات در استنباط‌های مختلف را تا حد زیادی کاهش دهد. در این صورت، سیاست‌هایی که با اجتهاد فقیه، به صورت مستقیم از خلال منابع به دست می‌آیند، از اتقان بیشتری برخوردار خواهند بود؛ زیرا منبع استنباط نظریات اقتصادی، خود از اعتبار و حجیت برخوردار است (اراکي، ۱۳۹۳، ص، ۳۴؛ عابدی نژاد داورانی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۰). می‌توان با تحلیل و تفسیر آیات و روایات نصوص تشریحی، به نظریه اقتصادی به عنوان مدلول التزامی نصوص تشریحی دست یافت (عابدی نژاد داورانی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۲).

حجیت نظریات اقتصادی کشف شده از نصوص، به تواتر معنوی مستند شده است. در تواتر معنوی، یا «تواتر اجمالی نوع دوم»، به قدر مشترک اخبار متعدد گزارش شده از سوی افراد مختلف و یا به بیان‌های مختلف، استناد می‌شود (روحانی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵؛ خوئی، ۱۳۵۲، ص، ۱۱۳). در این زمینه، با تجمیع نصوص دینی و تحلیل آنها، می‌توان به یک اصل یا سیاست اقتصادی (مانند سیاست‌های پیشرفت اقتصادی)، به عنوان مدلول التزامی مشترک پی برد. این عنصر مشترک، همان مدلول التزامی نصوص است. به لحاظ حجیت و اعتبار، تفاوتی بین مدلول التزامی و مدلول مطابقی وجود ندارد. کثرت نصوص معتبر، دارای یک مدلول التزامی مشترک، می‌تواند به حدی برسد که نسبت به قدر مشترک و به اصطلاح تواتر معنوی ایجاد کند (عابدی نژاد داورانی، ۱۳۹۴، ص، ۱۵۱-۱۵۲).

### روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی

علم اقتصاد اسلامی، می‌تواند با استفاده از هر یک از دو روش قیاسی و استقرائی گسترش یابد. در روش استقرائی، محقق اقتصاد اسلامی، پدیده‌های اقتصادی را در ضمن تجربه واقعیت زندگی جمع‌آوری کرده، آنها را به گونه‌ای منظم می‌کند که حاصل آن، کشف قوانین علمی در چارچوب شرایط خاص آن باشد. در روش قیاسی، بحث علمی را از فروض معین آغاز کنیم و در پرتو آن، دست به نتیجه‌گیری در مورد اقتصاد و مسیر تحقق پدیده‌های آن می‌زنیم (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۲-۳۳۳). استفاده از ترکیبی از قیاس و استقرا، در قالب روش فرضیه‌ای قیاسی نیز می‌تواند محققان اقتصاد اسلامی را از مزیت‌های این دو روش بهره‌مند سازد.

### الف. روش استقرائی

در شیوه استقرائی، روابط بین متغیرهای اقتصادی بررسی شده و سپس، گزاره علمی کلی صادر می‌شود. برای نمونه، با بررسی عملکرد مجموعه‌ای از بانک‌های بدون ربا و مصون‌ماندن آنها، نسبت به بحران‌های مالی، در مقایسه با بانک‌های ربوی، می‌توان به این نتیجه کلی دست یافت که بانکداری بدون ربا، در مقایسه با بانکداری ربوی، نسبت به بحران مصون‌تر است (توکلی، ۱۳۹۳).



به نظر شهید صدر، تبیین علمی به شیوه استقرائی، متوقف بر پیاده شدن مکتب اقتصادی اسلام در خارج است. پس از آن، محقق اقتصاد اسلامی می‌تواند به بررسی این واقعیت اقتصادی پرداخته و قوانین عمومی آن را استنتاج کند. به نظر ایشان، اقتصاددانان سرمایه‌داری در این زمینه موفق بوده‌اند؛ زیرا آنها در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که به سرمایه‌داری اعتقاد دارند و آن را اجرا کرده‌اند. از این رو، آنها می‌توانند نظریاتشان را بر اساس تجربیات واقعی در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، بنا نهند. به نظر شهید صدر، چنین کاری برای اقتصاددانان مسلمان، تا زمانی که اقتصاد اسلامی از واقعیت زندگی دور است، ممکن نیست. آنها به تجربیات اقتصاد اسلامی دسترسی ندارند، تا بتوانند به واسطه آن، به فهم ماهیت قوانین اقتصادی حاکم بر زندگی مبتنی بر اسلام همت گمارند (همان).

### ب. روش قیاسی

در روش قیاسی، تبیین علمی با استفاده از فروض و سپس، استنتاج قیاسی صورت می‌گیرد. با این روش، می‌توان برخی از واقعیت‌های متمایز زندگی اقتصادی در جامعه اسلامی را بر پایه دیدگاه‌های مکتبی مشخص تبیین کرد و آثار آن را به فرض تطبیق عملی بررسی کرد، بدین صورت، نظریات کلی در مورد جامعه اسلامی، در چارچوب دیدگاه‌های مکتبی می‌توان ارائه داد (همان، ص ۳۳۲).

علم اقتصاد اسلامی، می‌تواند تبیینی علمی از عملکرد نظام‌های اقتصادی غیراسلامی نیز داشته باشد. در این تحلیل، برای نمونه بحران‌های اقتصادی در جامعه سرمایه‌داری، با استفاده از رویکردی اسلامی تجزیه و تحلیل می‌شود. در این چارچوب، استدلال می‌شود که در یک اقتصاد ربوی، بخشی از ثروت خصوصی، به امید کسب درآمد ربوی ذخیره شده و از فرآیند تولید و مصرف خارج می‌شوند. این امر، موجب رکود در بخش عظیمی از تولید اجتماعی، در زمینه کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای مصرفی می‌شود. هنگامی که جامعه بر اساس اقتصاد اسلامی اداره می‌شود و در آن، ربا به صورت کامل ممنوع می‌شود و از کنز نیز نهی می‌شود و یا بر آن مالیات وضع می‌شود، نتیجه این امر، روی آوردن مردم به به کارگرفتن ثروتشان می‌باشد (همان، ص ۳۳۳-۳۳۴).

شهید صدر به تفاوت‌های فکری و معنوی و یا تفاوت‌های روحی روانی در جامعه اسلامی نیز اشاره می‌کند. به نظر ایشان، حالات روحی در جامعه اسلامی، نقش مهمی در مسیر زندگی اقتصادی ایفا می‌کند. این حالت روحی، شکل مشخصی ندارد. می‌توان آن را مفروض قلمداد کرد و بر اساس چنین فرضی، نظریات مختلفی ارائه داد. در نهایت، شهید صدر عنوان می‌کند که تولد حقیقی علم اقتصاد اسلامی تنها زمانی ممکن است که این اقتصاد با تمامی ریشه‌ها، ویژگی‌ها و جزئیات خود در جامعه متبلور شود و تمامی پدیده‌ها و تجارب اقتصادی، که در آن اتفاق می‌افتد، به صورت منظم مورد مطالعه قرار گیرد (همان، ص ۳۳۴).

## ج. روش فرضیه‌ای - قیاسی

تبیین‌های قیاسی، آن گونه که شهید صدر نیز متذکر می‌شود، نمی‌تواند با دقت علمی کامل زندگی اقتصادی، در جامعه اسلامی را منعکس کند. پیش از آنکه داده‌های مطالعه علمی، حاصل از تجارب واقعیت حسی جمع‌آوری شوند. در بسیاری موارد، بین عملکرد واقعی نظام و تفسیرهایی که به اساس فروض از آن ارائه شده، تفاوت وجود دارد. همان گونه که این مسئله برای اقتصاددانان سرمایه‌داری، که بسیاری از نظریات تحلیلی خود را بر اساس فروض بنا کرده‌اند، نیز اتفاق افتاده و به نتایجی دست یافته‌اند که با نتایج واقعیت اقتصادی بیرونی تناقض دارد. این تناقض، ناشی از کشف برخی عوامل دیگر، در عرصه واقعیت زندگی است که در فروض بدان توجه نشده بود (همان).

این نقیصه را می‌توان با تلفیق قیاس و استقرا و به‌کارگیری روش فرضیه‌ای - قیاسی، تا حدود زیادی حل کرد. در این روش، پس از سامان دادن استدلالی قیاسی، فرضیه‌های حاصل از آن، با تجربیات بیرونی تطبیق داده می‌شود. در صورت ناسازگاری این فرضیه‌ها با شواهد خارجی، مقدمات و استنتاجات نظریه بازمینی می‌شود. برای نمونه، بر اساس تحلیلی که از شهید صدر در بخش قبل ارائه کردیم، می‌توان این فرضیه را طرح کرد که بانک اسلامی، در مقابل بحران‌های اقتصادی مقاوم‌تر از بانک ربوی است. بررسی مشاهدات تجربی از عملکرد بانک‌های اسلامی، می‌تواند به ارزیابی این ادعا و تدقیق آن کمک کند. برای نمونه، مطالعه شواهدی از آسیب‌پذیری برخی بانک‌های اسلامی از بحران‌های مالی، ابعاد پنهان در نظریه را هویدا می‌کند. برای نمونه، در نظریه‌ای که در مورد ثبات بانک‌های اسلامی ارائه شد، به مقوله خلق پول در بانک‌های تجاری، پرداخت سود علی‌الحساب و امکان ایجاد رقابت بین بانک‌ها توجه نشده است. اگر این دو عنصر را به نظریه اضافه کنیم، متوجه می‌شویم که صرف استفاده از عقد مضاربه موجب ایمن کردن بانک در مقابل بحران مالی نمی‌شود.

## تعاملات روش‌شناختی مکتب و علم اقتصاد اسلامی

اگر دیدگاه‌های ساختاری مکتب اقتصاد اسلامی را به‌عنوان پیش‌فرض، نظریات علم اقتصاد اسلامی بدانیم، روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی، تحت‌تأثیر روش‌شناسی مکتب اقتصادی اسلام قرار خواهد گرفت. این اثرپذیری، در قالب تعیین فروض ساختاری در نظریات علم اقتصاد اسلامی، به روش قیاسی ظهور می‌کند. تحقق فروض ساختاری، همچون پذیرش مالکیت مختلط و آزادی، در کادر محدود در نظریات علم اقتصاد اسلامی مفروض گرفته می‌شود. در ادامه، رفتار عاملان اقتصادی و کارکرد نظام اقتصادی در این چارچوب نهادی، تجزیه و تحلیل می‌شود. هنگامی که از روش استقرائی، در علم اقتصاد اسلامی استفاده می‌کنیم، تحقق اجمالی ساختارهای نهادی اسلامی، پیش شرط شکل‌گیری نظریات علم اقتصاد اسلامی است. برای نمونه، فرض حذف ربا از نظام بانکی، فرضی است که تحقق اجمالی آن، زمینه‌ساز مطالعات تجربی در مورد کارکرد نظام بانکی بدون ربا در عمل است.

البته، علم اقتصاد اسلامی می‌تواند به بررسی میزان حذف ربا از نظام بانکی نیز پردازد، ولی همین تحلیل نیز وابسته به ساختار اقتصادی موجود است.

نظریات هنجاری مطرح شده در مکتب اقتصادی اسلام، همانند نظریه عدالت نیز می‌تواند به عنوان پیش فرض در نظریات علم اقتصاد اسلامی استفاده شود. در این حالت فروض ارزشی برگرفته از مکتب اقتصادی اسلام به عنوان پیش فرض تحلیل‌های علمی در نظر گرفته می‌شوند. برای نمونه، اگر در نظریه عدالت، کار و نیاز را منشأ استحقاق بدانیم، تحلیل‌های علمی در مورد تأثیر سیاست‌های اقتصادی، بر عدالت اقتصادی مشروط به تبیینی است که از عدالت اقتصادی در مکتب اقتصادی اسلام پذیرفته شده است.

### نتیجه‌گیری

روش شناسی اقتصاد اسلامی، متکفل بحث از روش معتبر نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی است. سؤال این است که چگونه نظریات اقتصاد اسلامی را باید تولید و آزمون نمود؟ برای تعیین شیوه صحیح نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی، باید تلقی روشنی از هویت نظریات اقتصاد اسلامی، هم از نظر جهت‌گیری نسبت به واقعیت و هم از جهت نگاه به واقعیت داشت.

اگر تفکیک اقتصاد اسلامی، به مکتب و علم اقتصاد اسلامی را بپذیریم، متفاوت بودن این دو حوزه نظری، موجب تفاوت در روش شناسی آن نیز می‌شود. این بدان معناست که نمی‌توان روش واحدی، برای این دو معرفی کرد. مکتب اقتصادی اسلام به واسطه ارائه توصیه‌های ساختاری ثابت و متغیر برای سازمان‌دهی اقتصاد جامعه اسلامی، وابستگی زیادی به یافته‌های وحیانی دارد. از این رو، روش استنباط مستقیم یا روش کشفی، در استنباط توصیه‌های ثابت و متغیر ساختاری قابل استفاده است. هر چند برای تدوین نظریات علم اقتصاد اسلامی، می‌توان از گزاره‌های مستخرج از کتاب و سنت استفاده کرد. ساخت نظریه به واسطه هویت تطبیقی، بر روابط بین متغیرها در جامعه دارای ساختار اقتصادی اسلامی، مستلزم استفاده از روش‌های قیاسی، استقرائی و فرضیه‌ای-قیاسی است. تدوین نظریات حاکی از راهبردها و سیاست‌های اقتصادی، مستلزم استفاده از ترکیبی از روش‌های کشفی، تأسیسی، قیاسی، استقرائی و فرضیه‌ای-قیاسی است.

باید توجه داشت که استفاده از روش قیاسی، یا استقرائی در علم اقتصاد اسلامی، بدین معنا نیست که تمامی گزاره‌های نظری، اثباتی و تأسیسی می‌باشند. بخشی از گزاره‌های مورد استفاده از مکتب اقتصادی اسلام اخذ شده و در فرآیند استدلال قرار می‌گیرند. بخشی دیگر، از پیش فرض‌ها نیز حاصل تجربیات زیسته نظریه‌پرداز شامل تأملات درونی و مشاهدات او می‌باشد که تنها برای داده‌های مربوط به زمان و مکان خاص معتبر است.

## منابع

- اراکي، محسن، ۱۳۹۳، *فقه نظام سياسي اسلام*، قم، مجمع الفكر الاسلامي.
- توکلی محمدجواد، ۱۳۹۳، «تحليلی بر طرح اقتصادی شورای پايی صلح در اصلاحات کلان اقتصادی در جهانی» *معرفت اديان*، ش ۱۱، ص ۶۵-۸۶
- جابری علی و همکاران، ۱۳۹۴، «تحليل جایگاه استقراء در روش شهيد صدر در کشف مکتب اقتصادی اسلام» *معرفت اقتصاد اسلامي*، ش ۱۲، ص ۶۵-۸۶
- خوئی ابولقاسم، ۱۳۵۲، *اجود التقریرات: تقریرات ابحاث الميرزا النائینی الاصوليه*، قم، مطبعة العرفان.
- روحانی، محمدصادق، ۱۳۸۲م، *زیده الاصول*، تهران، حدیث دل.
- صدر، محمدباقر، ۱۴۰۰ق، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- عابدی نژاد داورانی، امین رضا، ۱۳۹۴، «روش کشف سیاست‌های پیشرفت با تأکید بر آراء شهيد صدر»، *معرفت اقتصاد اسلامي*، ش ۱۳، ص ۱۳۱-۱۵۴.
- غفوری، خالد، ۱۴۲۱ق، *فقه النظرية لدى الشهيد الصدر*، فقه اهل بیت (ع)، ش ۲۰، ص ۱۲۲-۲۰۳.
- کهف، منذر، ۱۳۸۵، «علم اقتصاد اسلامی تعريف و روش اقتصاد اسلامی»، ش ۲۳، ص ۱۵۷-۱۸۶.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۸، *روش کشف ماهیت اقتصاد اسلامی*، فلسفه علم اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۲۱-۵۶.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، «درآمدی بر روش علم اقتصاد اسلامی»، *اقتصاد اسلامي* ش ۴۲، ص ۵-۲۸.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۴، «تعريف و روش کشف مذهب اقتصادی اسلام»، *اقتصاد اسلامي*، ش ۵۷، ص ۵-۳۰.
- نجار، مصلح عبدالحی، ۱۴۲۳ق، *تأصيل الاقتصاد الاسلامي*، ریاض، مکتبة الرشد.
- نظری، حسن آقا، ۱۳۸۹، «روش شناسی تمایز اقتصاد اثباتی و هنجاری و بازنگاری آن در راستای نظریه‌پردازی علم اقتصاد اسلامی»، *روش شناسی علوم انسانی*، ش ۶۴ و ۶۵، ص ۳۳-۴۱.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲، «روش شناسی فقه نظریات اقتصادی از منظر شهيد صدر»، *معرفت اقتصاد اسلامي*، ش ۸، ص ۵-۲۸.
- \_\_\_\_\_ و همکاران، ۱۳۹۷، «معناشناسی «مکتب»، «نظام» و «علم» در ادبیات اقتصاد اسلامی» *معرفت اقتصاد اسلامي*، ش ۱۹، ص ۲۵-۴۶.
- یوسفی، احمدعلی، ۱۳۷۹، *ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامي*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، «روش‌های کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام»، *اقتصاد اسلامي* ش ۲۲، ص ۱۴۷-۱۷۶.
- یوسفی، محمدرضا، ۱۳۷۹، «بررسی روش آیت الله شهيد صدر در کشف مکتب اقتصادی اسلام» پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۱۱۳-۱۲۸.